

الحمد لله از تجلیات انوار نیر اعظم افق عالم روشن و منیر است...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



رقم (20) - من آثار حضرت بهاء الله - کتاب اقتدارات - صفحه 240
- 247

(20)

الاقدس الاعلی

الحمد لله از تجلیات انوار نیر اعظم افق عالم روشن و منیر است و فیوضات رحمانیه از سماء مرحمت و مکرمت جاری و نازل طوبی از برای نفوسیکه بوساوس انفس خبیثه از شاطی بحر احدیه محروم نمانده اند و حجات وهمیه را بعنایات مالک بریه خرق نموده اند ایشانند نفوسیکه نهر مرحمت را از ایادی فضل من غیر تأمل گرفته و نوشیده اند ان لهم حسن مآب ای طائران هوای رحمن و طائفان کعبه عرفان بشنوید ندای این مظلومرا که در منتهای شدت و بلا شما را فراموش نموده و در کل احیان احبای رحمن را امر مینماید بآنچه خیر است از برای ایشان عما خلق فی السموات و الارضین اعظم از کل امور استقامت و اتفاق بر کلمه جامعه الهیه است انشاء الله از فضل رحمانی و عنایت سبحانی کل بآن فائز شوید این بسی واضح و معلوم است که آنچه ذکر میشود مقصود خلاصی نفوس است از سجن نفس و هوی و ارتقائهم الی الافق الاعلی انشاء الله باید کل متمسک بجبل محکم استقامت شوند و متشبث بذیل اتحاد و اتفاق گردند باید بشأنی بر امر مستقیم باشند که نفعات آن مضطربین و متزلزین را مستقیم نماید لیس هذا علی الله بعزیز ان رأیم الجیم قولوا له بای حجة اقبلت و بای برهان



ORIGINAL

اعرضت عن الله المقتدر العزيز الحكيم انك اتبعت اهواءً الذي ما عرف اليمين عن الشمال الا انه من الاخسرین
 و الذي اغویک قد اخذناه بذنبه اذا فی بحر النار یقول تبت الیک یا محبوب العالمین ضرب علی فیه من ید القدرة
 و قیل اصمت یا ایها المشرک البعید انک دعوت الناس الی الذی ما رأیته و ما عرفته و ما اطلعت علی امره و
 انت تصدقنی فی ذلک لو تكون من المنصفین یا عبد ارحم نفسک و انفس الناس و لا تتبع الذین اتبعوا الاوهام
 و جعلوها لانفسهم ارباباً من دون الله دع ما عندهم ثم استقم بالاستقامة الکبری علی امر ربک فاطر الارض و
 السماء کذلک یا امرک مالک السماء لو کنت من العالمین بلسان پارسی القا کنید که شاید کلمات نصیحه
 ربانیه را ادراک نماید و بشاطی بحر اعظم راجع شود عجب در اینست که بعد از امواج بدیعه منیعه بحر الطاف
 الهیه و اشراقات کلمات ربانیه باشارات عتیقه خلقه بالیه خلافت و امثال آن از شاطی بحر احدیه ممنوع و محروم
 مشاهده میشوند قل الله یعلم ما فی قلوبکم و ما انتم به تنطقون و تتکلمون در این ایام روحانی باید کل بطراز بدع
 رحمانی فائز شوند مقدسا عن کل ما فی ایدی الناس و عن کل ما سمعوا تا چه رسد بخلافت مجعوله که از ناحیه
 کذب ظاهر شده امثال این اذکار سبحات مجلله بوده که اکثر بریه از خرق آن عاجزند و لکن از برای حق
 عبادیست که بقدرت الهیه کل را خرق نموده اند و بدوست پیوسته اند الیوم آل الله نفوسی هستند که جمیع من
 فی السموات و الارض را معلق باراده حق دانند بشأنیکه اگر بخواهد بحرکت اصبع اراده ذره تراب را باعلی
 ذروه ابداع رساند و همچنین اعلی ذروه را بادی ذره راجع فرماید کل ما یقول هو حق و ما یحکم به ینبغی ان
 یكون محبوب العارفین بدیع من جمیع الجهات در این ظهور ظاهر لو کان الناس فیه یتفکرون باری بعضی اهل بیان
 باقوال اراامل اهل فرقان ناسرا از شریعه رحمن منع نموده اند بحرف جیم و امثال او بگوئید بعین بصیرت مشاهده
 کنید هزار سال او ازید جمیع فرق اثنی عشریه نفس موهومیرا که اصلا موجود نبوده مع عیال و اطفال موهومه
 در مدائن موهومه محل معین نمودند و ساجد او بودند و اگر نفسی انکار او مینمود فتوای قتل میدادند الا انهم
 من عبدة الاوهام فی کتاب ربک العلیم الخبیر و بعد از تولد نقطه در ارض معروفه نزد صاحبان بصیرت واضح
 شد که آنچه در دست قوم بوده کل باطل و بیعنی بوده همین قسم در جمیع مطالبیکه نزد آن قوم است مشاهده
 کنید انی لا احب ان اخرق بعض الاحجاب طوبی لقوی یخرق بانامل الیقین لیری ما هو المراد عند ربه مالک
 الایجاد کل در این ظهور مأمورند که در نفس ظهور و آثار او مقدسا عن الكل مشاهده نمایند و این فضل
 مخصوص این ظهور بوده و همچنین میفرماید اذا ظهر یبدل النور بالظلمة و الظلمة بالنور مع ذلک بنفسیکه از مبداء
 و منتهای او مطلع نیستید از مطلع انوار احدیه و مشرق آیات الهیه محروم مانده اید بگوئید قدری بیان فارسی را
 ملاحظه کنید لعلمک تدعون الموهوم و ترون شمس اسم ربکم القیوم مشرقة بین السموات و الارضین بشنوید ندای
 ناصح امین را و قطع نظر از آنچه استماع نمودید در آیات الهیه نظر نمائید و در ما ظهر فی الظهور تفکر کنید لعلمک
 تدعون الهوی و تتوجهون الی الله العلیم الحكیم ان تکفروا انتم و من علی الارض جمیعا انه هو الغنی الحمید انتم یا
 احبائی فی القاف دعوا هؤلاء ثم اقبلوا بالقلوب الی شطر الله المقتدر العزيز المحبوب کونوا علی شأن تستضیء بکم
 الآفاق و تتوجه بکم الوجوه الی شطر ربکم العزيز الودود احمدوا الله بما جرت اسمائکم من قلم الوحی و ینطق
 باذکارکم لسان المسجون نسئل الله ان یؤیدکم علی الاتحاد فی امر ربکم مالک یوم المعاد و یجعلکم من الذین لا

خوف عليهم و لا هم يحزنون اشربوا كأس الحيوان بالروح و الريحان رغما للذين كفروا بالرحمن و كانوا عن لقاءه هم معرضون طوبى لكم بما ذكرتم من لدن مالک القدم في السجن الاعظم و توجه اليكم طرف الله المقتدر المهيمن القيوم بايستيد بر امر الله بشأنیکه هر مضطربى مستقيم شود و هر عظم رميمى بمرکت آيد و جهد نمائيد تا ظلمت امکان از انوار ذکر رحمن مستنير شود انشاء الله کل بما يليق لشيء و نکم و نسبتکم الى الله قيام نمائيد سدره منتهى تکلم ميفرمايد بگوش جان بشنويد لسان رحمن در نطق است باصغای آن فائز شويد کذلک يذکرکم ربکم المتکلم العليم يا امأى هناك افرحن بما ذکرتن من القلم الاعلى ثم استقمن على امر الله مالک الاسماء کذلک يعظکن ربکن في هذا اللوح الذى طرز بطراز بيان الله العزيز المحمود اى اماء من انشاء الله لم يزل و لا يزال از کوثر محبت غنى بيزوال بياشاميد و بذکر و ثنائش ناطق باشيد انما البهآء عليكم يا احبآء الله و على الذين يسمعون قولکم في هذا الامر الابدع العظيم